

بررسی تطبیقی جایگاه ایثار در تربیت اخلاقی از نگاه اسلام و یهود

* حسن فرزی

** سیداکبر حسینی قلعه بهمن

*** محمود نمازی اصفهانی

چکیده

تربیت اخلاقی، به معنای فرایند نهادینه سازی ارزش های اخلاقی در وجود انسان، یکی از مهم ترین رسالت های ادیان الهی به شمار می رود. شاکله کلی این ارزش ها در ادیان مختلف یکسان است اما آموزه های اخلاقی که بروز عملی این ارزش ها هستند، در برخی جزئیات متفاوتند. «ایثار» به عنوان یک آموزه اخلاقی مهم، چه جایگاهی در تربیت اخلاقی دارد؟ این نوشتار، با مراجعه به منابع کتابخانه ای و استفاده از روش توصیفی - تحلیلی جایگاه این آموزه را در تربیت اخلاقی بر اساس تعالیم دو شریعت اسلام و یهود بررسی می کند. هر دو شریعت، از خودگذشتگی و ایثار نسبت به دیگران را از مهم ترین آموزه های تربیتی خود مطرح می کنند، اما در تعیین معیارهای آن - به عنوان عمل اخلاقی - تفاوت دارند. توجه به نژاد افراد در تعیین مصادیق ایثار، مهم ترین معیاری است که در آیین یهود - به شکل امروزی آن - وجود دارد؛ به این معنا که ایثار در برابر یک فرد غیر یهودی می تواند ارزش منفی پیدا کند. در مقابل، تنها ملاکی که در اسلام، برای ایثار نسبت به دیگران مطرح می شود، این است که بر محور بندگی خداوند باشد. توجه به این محور در مقام عمل باعث می شود تنها دشمنان خداوند و افرادی که مبتلا به آفات اخلاقی ای مثل عجب و تکبر هستند، در گستره ایثار قرار نگیرند.

کلیدواژه ها: تربیت اخلاقی، ایثار، نوع دوستی، نژادپرستی، اسلام، یهودیت.

* دانشجوی دکتری رشته مدرسی اخلاق، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. (hassanfarzi@mail.ir)

** دانشیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

*** استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های ادیان الهی، ترویج ارزش‌های اخلاقی در میان انسان‌ها است. از این رو پرداختن به موضوع تربیت اخلاقی در ادیان، به مثابه فرایندی که موجب نهادینه شدن این ارزش‌ها در میان انسان‌ها می‌شود، یکی از موضوعات اساسی خواهد بود. آیین اسلام و آیین یهود، که از بزرگ‌ترین ادیان الهی به شمار می‌روند، نگاه ویژه‌ای به موضوع اخلاق و تربیت اخلاقی دارند.

در تبیین جایگاه تعالیم اخلاقی در آیین یهود، ذکر این نکته، حائز اهمیت است که، اخلاق جوهره یهودیت است. توضیح این‌که، از سه اصل موجود در تورات، تقوا ریشه اخلاق است؛ دو اصل دیگر - کیفر و پاداش و برگزیدگی یهود - نوعی نقش حمایتی برای اخلاق دارند (Rotenstreich, 1968, p. 35). در تورات بارها و بارها بر این تاکید شده که سعادت و خوشبختی، در پرستش خدای یگانه و اطاعت از اوست، با نظر به این‌که تقوای الهی در اطاعت از خداوند و انجام عمل نیک تجلی می‌یابد، می‌توان گفت برای اخلاقی بودن - به عنوان ثمره تربیت اخلاقی - باید خدا را اطاعت کرد و عمل نیک انجام داد؛ « اوامر او را نگاه داشته، به او بچسبید و او را به تمامی دل و تمامی جان خود عبادت نمایید» (کتاب یوشع، باب ۲۲: آیه ۵) «رحمت می‌کنم تا هزار پشت، بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه می‌دارند» (سفر تثنیه، باب ۵: آیه ۱۰).

جایگاه ویژه اخلاق و تربیت اخلاقی، در دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی، با وجود تاکید بسیاری که در آیات قرآن کریم و روایات بر آن وجود دارد، غیر قابل انکار است؛ خداوند متعال وجود پربرکت حضرت رسول را به عنوان الگو و اسوه‌ی مردم معرفی می‌کند (سوره احزاب، آیه ۲۱) آیات قرآن کریم، در مقام برشمردن صفات ایشان،

تاکید بسیاری بر خوش خلقی، دلسوزی و محبت ایشان نسبت به مردم دارد؛ «به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رثوف و مهربان است» (سوره توبه، آیه ۱۲۸).

ایثار، به عنوان یک عمل اخلاقی که برخاسته از محبت و نوع دوستی نسبت به دیگران است، می‌تواند در تربیت اخلاقی انسان‌ها موثر باشد، آن‌چه در این نوشتار مدنظر است، بررسی آموزه‌های دو آیین یهود و اسلام، به منظور یافتن جایگاه این آموزه در تربیت اخلاقی انسان‌ها از دیدگاه این دو شریعت الهی و تطبیق آن‌ها است تا روشن شود در ترسیم جایگاه ایثار در تربیت اخلاقی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین این دو آیین وجود دارد. بدین منظور، با محوریت «کتاب مقدس» و «قرآن کریم»، تفاسیر، مقالات و کتاب‌های مرتبط با دین یهود و اسلام به روش کتابخانه‌ای و توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند تا هدف مورد نظر حاصل گردد. با توجه به گستردگی بسیار زیاد منابع موجود، کلیدواژه‌های بحث یعنی ایثار، نوع دوستی و نژاد پرستی ابتدا در منابع اصلی و پس از آن در منابع تفسیری و مقالات علمی جستجو شد و در ادامه ارجاعات جدیدی یافت شد که نتیجه مطالعه و تطبیق آن‌ها، نوشتار پیش روست.

در مورد پیشینه تحقیق، از آثار مرتبط می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقاله «کندوکاوی در گستره احسان در عهدعتیق» نوشته حسین حیدری و خدیجه کاردوست فینی؛ به بررسی اصل احسان در کتاب مقدس می‌پردازد. مقاله «اخلاق در آیین یهود» نوشته اسماعیل علی‌خانی؛ به بررسی جایگاه اخلاق در دین یهود، خاستگاه‌های اخلاق یهودی و برشمردن آموزه‌های یهودی می‌پردازد و در این بین

«محبت به هم‌نوع» به عنوان یکی از آموزه‌های اخلاقی آیین یهود ذکر می‌شود. مقاله «ایثار به مثابه مبنا، اصل و روش تربیتی با تاکید بر مبادی سه گانه عمل» نوشته مریم بناهان و زهرا حبیب‌زادگان؛ جایگاه ایثار در تربیت اسلامی را مطرح می‌کند. مقاله «بررسی تحلیلی مبانی اسلامی نوع‌دوستی به عنوان یک هدف تربیتی» نوشته علیرضا رازقی؛ با رویکردی فلسفی، پیش فرض‌های نوع‌دوستی را به عنوان یک هدف تربیتی اسلامی در چهار ساحت انسان‌شناختی، هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی بررسی می‌کند. و نهایتاً مقاله «تاملی بر مساله انسان دوستی در فلسفه تربیتی اسلام»؛ نوشته محمدحسین حیدری و ستاره موسوی؛ در صدد تبیین انسان‌دوستی اسلامی به مثابه یک هدف تربیتی برمی‌آید. همان‌طور که مشخص است، آثار موجود، به طور مستقل به بررسی آموزه‌های شریعت اسلام و یا یهود پرداخته‌اند و اثری که بررسی تطبیقی جایگاه آموزه اخلاقی «ایثار» در تربیت اخلاقی را مدنظر قرار داده باشد، یافت نشد.

مفاهیم

تربیت اخلاقی

تربیت، واژه‌ای عربی، از ریشه «ر ب و»، به معنای زیاد شدن، رشد یافتن و برتر بودن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۳۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۰۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸۳) بنابراین واژه تربیت به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است (باقری، ۱۳۸۳، ص ۳۷). در اصطلاح اسلامی، تربیت اخلاقی فرایند درونی سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل است (عالم زاده نوری، بوسلیکی و مرادی، ۱۳۹۲، ص ۳۳). هر دو بعد آموزش و

پرورش در این فرایند، مورد توجه قرار می‌گیرند، و توجه صرف به یکی از آنها معنای کاملی از تربیت اخلاقی را به دست نمی‌دهد (داودی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۰-۱۱).

ایثار

ایثار واژه‌ای عربی، از ریشه «ا ث ر» در باب افعال، و به معنای مقدم داشتن دیگری بر خود است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۷۴) و در معنایی عام‌تر، برتری دادن چیزی نسبت به چیز دیگر را افاده می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۷). معادل این واژه در فارسی، از خودگذشتگی، بخشش و برگزیدگی (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۶۸۲؛ معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۱۲)، و در انگلیسی، self-sacrifice است.

در اصطلاح، ایثار حد‌اعلای فضیلت اخلاقی سخاوت است، توضیح این‌که بخشندگی و سخاوت، به عنوان یک فضیلت اخلاقی، ممکن است در مواردی اتفاق بیفتد که خود شخص به آن‌چه می‌بخشد نیاز داشته باشد و یا نیاز نداشته باشد، اما ایثار همان حالتی است که فرد با وجود این‌که خودش نیازمند است به دیگری می‌بخشد (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۷۹).

ایثار در یهود و جایگاه آن در تربیت اخلاقی

در قسمت مقدمه بیان شد، طبق تعالیم آیین یهود، سعادت فردی و اجتماعی انسان، در پرتو عمل نیک به دست می‌آید. سوال مهم این است که آیا در آیین یهود، ایثار و احسان نسبت به دیگران، به عنوان یکی از مصادیق عمل نیک توصیه می‌شود؟ آیا در این زمینه، اختلاف نظر یا ملاحظات خاصی وجود دارد؟ پیش از پاسخ به این پرسش، باید گفت وجود یا عدم وجود عنصر ایثار و فداکاری در رابطه انسان با دیگران، می‌تواند تابع باورهای اساسی‌ای باشد که نوع رابطه فرد با دیگران را تعریف

می‌کند. از این رو، «نوع دوستی و نژادپرستی» به عنوان دو مورد از تعیین کننده‌ترین باورها در شکل دهی نوع رابطه با دیگران از نگاه آیین یهود، مورد بررسی قرار می‌گیرند. نوع دوستی مناسبت بیشتری با ایثار و از خودگذشتگی دارد و هدف از طرح آن این است که مشخص شود در دین یهود حد و مرزهای نوع دوستی، چگونه ترسیم می‌شود، و بعد از آن، موضوع نژاد پرستی که برداشت اولیه از آن، بیشتر گویای خودبرتربینی و خودخواهی در آیین یهود است، مورد توجه قرار می‌گیرد و نهایتاً با یک جمع بندی کلی بین این دو عنوان مشخص خواهد شد، ایثار و فداکاری نسبت به دیگران چه جایگاهی در تربیت اخلاقی یهودی دارد.

نوع دوستی

«نوع دوستی» یکی از مفاهیم اخلاقی مورد توجه در آیین یهود است که ارتباط تنگاتنگی با ایثار دارد؛ در واقع می‌توان گفت نوع دوستی زمینه ایثار را در مقام عمل فراهم می‌آورد و ایثار ثمره نوع دوستی است. در متون یهود، از قول خداوند چنین آمده است: «همنوعت را مانند خودت دوست بدار» (سفر لاویان، باب ۱۹، آیه ۱۸).

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های محبت و احسان نسبت به دیگران، در رابطه انسان با والدین خود تعریف می‌شود. همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است، محبت و احسان به پدر و مادر بعد از پرستش خداوند، از جمله وظایف مهمی است که خداوند متعال آن را از بنی اسرائیل طلب می‌کند (سوره بقره، آیه ۸۳). بنابراین ایمان به خداوند، بدون محبت و احترام نسبت به والدین کفایت نخواهد کرد؛ به عبارت دقیق‌تر، یکی از نشانه‌های ایمان حقیقی به خداوند متعال، حفظ احترام پدر و مادر و نیکی به آن‌هاست، در کتاب مقدس آمده است: «هریک از شما به پدر و مادر خود احترام

کنید... زیرا که من خدای شما هستم» (سفر لاویان، باب ۱۹: آیه ۳)، همچنین در صدر فرامینی که با عنوان ده فرمان از آموزه‌های کتاب مقدس شهرت یافته است، آمده است: به پدر و مادرت احترام نما» (سفر خروج، باب ۲۰: آیه ۱۲) و ثمره این احترام، طولانی شدن عمر انسان بیان شده است (همان). در فرامین جزئی‌تر، از مصادیق این نیکی و احترام، می‌توان به توجه به نصیحت‌ها و تعالیم پدر و مادر (کتاب امثال، باب ۱، آیه ۸)، انجام خواسته‌های آنان (همان، باب ۶، آیه ۲۰) اشاره کرد. در مقابل، بی‌احترامی به پدر و مادر موجب می‌شود، فرد مورد لعن و نفرین خداوند واقع شود (سفر تثئیه، باب ۲۷، آیه ۱۶).

در آیین یهود، توصیه به نیکی و احسان صرفاً در پدر و مادر خلاصه نمی‌شود، بقیه انسان‌ها، خصوصاً اقشاری که به نوعی محروم هستند، مانند سالمندان، ناتوانان جسمی و یتیمان هم در زمره افرادی به شمار می‌روند که توجه به آن‌ها، خوش رفتاری و برطرف کردن نیازهای آنان از وظایف مردم شمرده شده است. در توصیه‌های اشعای پیامبر، به قوم یهود آمده است که بی‌احترامی به سالخورده‌گان موجب نزول عذاب الهی خواهد بود (کتاب اشعیا، باب ۳، آیه ۵)، در مورد کم‌توانان مثل نابینایان و ناشنوایان نیز از قول حضرت موسی چنین نقل شده است: «کر را لعنت مکن و پیش روی کور سنگ لغزش مگذار و از خدای خود بترس» (سفر لاویان، باب ۱۹، آیه ۱۴).

در مورد لزوم خوش رفتاری با یتیمان آمده است: «بر یتیم ظلم نکنید، هرگاه بر او ظلم کردی، و او نزد من فریاد بر آورد، البته فریاد او را مستجاب می‌کنم» (سفر خروج، باب ۲۲، آیه ۲۲). و یا در مورد مستمندان و مسکینان، توجه و دستگیری از آنان تا جایی

که هیچ مسکینی در جامعه باقی نماند، لازم شمرده شده است. (سفر تثنیه، باب ۱۵، آیه ۴) در حقیقت، طبق آموزه‌های یهودی، توجه به این دو گروه اخیر - یعنی یتیمان و مستمندان - در غایت حقیقی خود اقدامی در جهت تحقق عدالت است، و حقوق این افراد باید از طریق کنترل زیاده‌خواهی‌های ثروتمندان استیفا شود؛ از این جهت احسان و دستگیری نسبت به آن‌ها امری صرفاً از روی خیرخواهی و دلسوزی نخواهد بود (Yates, 1988, p242). کارگران و بردگان، هم از دیگر اقشار جامعه هستند که بر احسان و حفظ حرمت آن‌ها تاکید شده است (سفر خروج، باب ۲۱، آیه ۲۰ و ۳۲؛ سفر تثنیه، باب ۲۳، آیات ۱۵-۱۶).

همسایه نیز یکی از عناوینی است که نیکی و محبت نسبت به او در کتاب مقدس، بسیار مورد توجه قرار گرفته است، از ده فرمان معروفی که از سوی خداوند متعال خطاب به قوم یهود نازل شده، چند مورد از آن اختصاصاً در مورد لزوم حفظ حرمت همسایه است، مواردی از قبیل شهادت دروغ ندادن، محترم شمردن مال و ناموس او. (سفر خروج، باب ۲۰، آیات ۱۶-۱۷)

کتاب مقدس علاوه بر بیان نمونه‌های جزئی و مصداقی نوع دوستی، شامل توصیه‌های عام اخلاقی است که به حفظ احترام سایر انسان‌ها و لزوم نیکی و احسان به آن‌ها فرا می‌خواند. به عنوان مثال، آیه ۲۷ و ۲۸، باب سوم از کتاب امثال چنین عبارتی دارد: «احسان را از اهلش بازمدار، هنگامی که بجای آوردنش در قوت دست توست به همسایه خود مگو برو و بازگرد و فردا به تو خواهم داد. با آنکه نزد تو حاضر است» هرچند در این عبارت کلمه همسایه به کار رفته است، اما با توجه به صدر عبارت می‌توان معنایی عام از آن برداشت کرد. نکته جالب در این عبارت علاوه

بر شمول احسان و محبت نسبت به دیگران، لزوم تسریع در انجام عمل نیک است. شاید توجه به منابع انگلیسی زبان کتاب مقدس و تفاسیر آن و تطبیق آن با منابع فارسی موجود، بتواند عام بودن این حکم اخلاقی را به این شکل توضیح دهد که تعبیر به کار رفته در این فرامین در کتاب مقدس، واژه «neighbour» است، این واژه در کنار این که معنای همسایه را افاده می‌کند، به معنای هم‌نوع هم آمده است (Anonymous, 1989, p956).

در فرازی دیگر از کتاب مقدس چنین آمده است: « خداوند انسان را به صورت خود آفرید» (سفر پیدایش، باب ۱، آیه ۲۷) نقطه مشترک تفسیرهای گوناگونی که در طول تاریخ از این آیه صورت گرفته، این است که آیه فوق به گونه‌ای صریح بیانگر لزوم انجام دستورات اخلاقی از سوی انسان است با این هدف که شبیه پروردگار شود و صورت الهی به معنای پذیرش اخلاق الهی و متعبد شدن به دستورات اوست (حبیب‌اللهی، ۱۳۹۲، ص ۷۶). نتیجه چنین تفسیری محترم شمردن همه انسان‌ها و احسان و محبت نسبت به آنهاست.

اما یک پرسش مهم در اینجا به ذهن می‌رسد و آن این است که آیا دستورات وارد شده در مورد احسان و محبت نسبت به هم‌نوعان، همه انسان‌ها را، حتی پیروان ادیان دیگر را در بر می‌گیرد و یا این که صرفاً خلاصه شده در روابط موجود در جامعه یهودی است؟ در بخش بعد، این پرسش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نژاد پرستی

در طول تاریخ، برخی از اقوام، به دلایل گوناگون، خود را برتر از دیگران به شمار آورده‌اند؛ این خودبرتر بینی، به اموری همچون نژادپرستی دامن زده است؛ از این رو

می توان نژادپرستی را باوری برشمرد که بر اساس آن افراد یک نژاد، خود را برتر از نژادهای دیگر می دانند. (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۳۴۹).

یکی از باورهای عمیق در آیین یهود، باور به برگزیدگی از سوی خداوند است. عبارات کتاب مقدس، به صورت های مختلف، بر این معنا دلالت می کنند. مثلاً در آیه دوم از باب سوم کتاب عاموس چنین آمده است: «از میان تمام اقوام روی زمین، من تنها شما را انتخاب کرده ام». این اعتقاد، همواره با سوء برداشت هایی همراه شده است. خودبرتربینی و نژادپرستی، باورهایی هستند که از همین سوء برداشت ها نشأت می گیرند.

مطابق این دیدگاه، قوم اسرائیل برتر از اقوام دیگر و از جنس دیگری است. نتیجه چنین برداشتی، این است که یهودیان در رعایت قوانین اجتماعی و به ویژه در مناسبات اخلاقی بین خود و افراد غیریهودی، به گونه ای تبعیض آمیز رفتار می کنند (سلیمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵). از جمله شواهدی که بر نادرست بودن چنین دیدگاهی وجود دارد، مبارزات ضد نژادپرستانه شمار قابل توجهی از اندیشمندان، به ویژه اندیشمندان یهودی است. این افراد معتقدند، بر خلاف دیدگاه صهیونیست های افراطی که برتری نژادی خود را مستند به دین می کنند، چنین دیدگاهی از متون مقدس یهودی قابل برداشت نیست (همان، ص ۱۱۷).

در بررسی دقیق تر، در مورد منشأ و خاستگاه پیدایش دیدگاه نژادپرستانه، بین صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد: برخی معتقدند ریشه های چنین اندیشه ای را می توان در متن کتاب مقدس یافت و آن را به موضوع برگزیدگی قوم یهود مرتبط می داند، گروهی دیگر، عامل مهم تر در شکل گیری نژادپرستی یهود را، تفاسیر کتاب

مقدس یعنی تلمود- که انعکاس دهنده‌ی اندیشه‌های عالمان یهودی است- عنوان می‌کند. (همان، ص ۱۱۸-۱۲۰). وجود احکام تبعیض آمیز در جامعه یهودی رژیم صهیونیستی، و باور به این که چنین احکامی ریشه در متون احکامی تلمود- موسوم به هلاخا- دارد، زمینه ساز طرح این ادعا شده است که آموزه‌های تلمود، نژادپرستی را ترویج می‌کند (shahak, 1994, p.75-98)؛ به عنوان مثال در مساله نجات جان، بیان شده است که نجات جان یک یهودی، از وظایف شرعی بسیار مهم است در حالی که نجات جان یک غیر یهودی ممنوع است. قاعده کلی تلمود این است: «غیر یهودیان نه از چاه بیرون آورده می‌شوند و نه داخل آن هل داده می‌شوند» (ibid, p.80). ابن میمون به عنوان یکی از شناخته شده‌ترین دانشمندان یهودی از این جمله چنین برداشتی دارد: ما نباید موجب مرگ کسانی شویم که با ما در جنگ نیستند، اما نجات افرادی که در معرض جنگ با ما قرار دارند، ممنوع است. یک پزشک یهودی حق مداوای یک غیر یهودی را ندارد و اگر شرایط او را مجبور به این کار کرد، حتما باید در ازای آن مزد دریافت کند. (ibid) این تبعیض غیر اخلاقی، در زمینه‌هایی دیگر مثل مسائل مالی، مسائل جنسی و قتل هم وجود دارد و طبق آن احکام به نفع یهودیان صادر می‌شود (ibid, 75-98).

۱۰۵ در مقابل دیدگاه قبل که تعالیم تلمود را به عنوان عامل اصلی دعوت به نژادپرستی در نظر می‌گرفت، برخی، تلمود را میرا از این اتهام می‌دانند. به عنوان مثال، آبراهام کوهن، بعد از نقل قول دانشمند برجسته یهود، ربی عقیوا^۱ که فرمان «همنوعت را

1. rabbi akiva

مانند خودت دوست بدار» (سفر لاویان، باب ۱۹، آیه ۱۸) را، به عنوان اصل اساسی تورات می‌داند، این سوال را مطرح می‌کند که در این فرمان مراد از هم‌نوع چیست؟ آیا شامل غیر یهودیان هم می‌شود؟ و بعد در مقام پاسخ، بحث را این‌گونه ادامه می‌دهد که اگرچه در تلمود به دفعات بیان شده است که مقصود از هم‌نوع یهودیان است، و غیر یهودیان را شامل نمی‌شود و مواردی که به برخورد اخلاقی با غیر یهودیان اشاره شده، بسیار اندک است؛ اما نگاهی کلی و بی‌طرفانه به سراسر تلمود، این نکته را رهنمون می‌شود که اخلاق مورد توصیه دانشمندان یهود، همگانی است و صرفاً مربوط به تعاملات بین یهودیان نیست (Kohen, 1975, p.212-213). و بعد به ذکر شواهدی برای اثبات مدعای خود روی می‌آورد، از جمله: استفاده از تعبیر «مخلوقات»، در جایگاه موضوع توصیه‌های اخلاقی عالمان یهودی، که واژه‌ای عام است و اختصاصی به نژاد یا گروه خاصی ندارد، مثلاً جمله «مخلوقات را دوست بدار» و یا عبارتی از کتاب مقدس که بر لزوم حفظ حقوق دشمن صراحت دارد و می‌گوید: «اگر الاغ یا گاو دشمن خود را یافتی که گم شده باشد، البته آن را نزد او باز بیاور» (سفر خروج، باب ۲۳، آیه ۴) و یا مضامین دیگری مثل مقایسه زشتی سرقت کردن مال یک غیر یهودی و سرقت مال یک یهودی و حکم به این که مورد اول قبیح‌تر است از این جهت که نسبت به خداوند هم بی‌حرمتی صورت گرفته است (Kohen, 1975, p.213). و نهایتاً، در مقام جمع بندی پس از پذیرش وجود موارد قابل توجه عبارات تند و خشن علیه غیر یهودیان در تلمود، علت آن را فشارها و شکنجه‌های شدیدی می‌داند که قوم یهود و علمای یهودی متحمل آن شده بودند که نتیجه آن به کار بردن چنین عبارات خشنی علیه غیر یهودیان شده است (ibid, p.66,214).

در مقام دفاع از دیدگاه قائل به عدم نژادپرستانه بودن تعالیم تلمود، می‌توان عبارات صریح‌تری از کتاب مقدس در شمول فرامین اخلاقی آن ارائه کرد، تا نیازی به بررسی گستره واژه هم‌نوع هم نباشد، به عنوان مثال، تعبیری هم‌چون غریب و بیگانه که مخاطب محبت و احسان قرار می‌گیرند، بر این شمول صراحت بیشتری دارند. عباراتی مثل «غریب را اذیت مرسانید و بر او ظلم مکنید» (سفر خروج، باب ۲۲، آیه ۲۱) و یا این که «کسی که در مورد بیگانگان بی‌عدالتی کند، مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرد» (سفر تثئیه، باب ۲۷، آیه ۱۹).

از این رو می‌توان این دیدگاه را دیدگاهی جامع‌تر نسبت به دیدگاهی دانست که تلمود را صرفاً منشأ آموزه‌های نژادپرستانه عنوان می‌کند. و وجه جامع‌تر بودن آن در این است که بین دو دیدگاه متعارض، بعد از بررسی هر دو، یک توجیه ناظر به هر دو دیدگاه ارائه داده است و صرفاً توصیه‌های نژادپرستانه تلمود را بررسی نکرده است (سلیمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴). البته ممکن است کسی این وجه جمع را نپذیرد و هم‌چنان قائل به این باشد که برخوردهای نژادپرستانه با غیریهودیان که برخاسته از متون معتبر یهودی است احکامی همیشگی است و اختصاصی به زمان یا شرایط خاصی ندارد.

احتمال دیگر این است که همچون بسیاری از قواعد اخلاقی متعالی که برای اولین بار مطرح می‌شوند، قاعده عشق به هم‌نوع، جهان شمول است اما عناصری ناسازگار با آن نیز وجود دارد، در واقع تورات مراحل مختلف رشد اخلاقی و دینی را ترسیم کرده است (Gensler, 2013, p.38). نکته قابل تأمل در احتمال مذکور، این است که — با توجه به صراحت بیشتر متن کتاب مقدس بر عام بودن این قاعده و مطرح شدن

اختصاص آن به قوم یهود در تلمود که تفسیر کتاب مقدس است - چگونه این رشد اخلاقی و دینی باعث گسترش نژادپرستی در میان یهودیان شده است؟ در هر صورت، به عنوان نکته پایانی این قسمت، باید گفت آموزه برگزیدگی در کتاب مقدس، استلزاماً منجر به استتاج خودبرتربینی و نژادپرستی نمی‌شود. تفصیل این مطلب در قسمت تطبیق خواهد آمد.

طبق آنچه در دو عنوان قبل مطرح شد، آموزه‌های آیین یهود، رابطه مطلوب یک فرد یهودی با دیگر انسان‌ها را برخاسته از نوع دوستی، و همراه با محبت و احسان نسبت به آن‌ها - به ویژه اقشاری که نیازمند کمک و توجه بیشتری هستند - ترسیم می‌کند و این امور را از شئون دین‌مداری واقعی فرد دانسته و عمل در راستای آن را موجب رشد و تربیت اخلاقی انسان یهودی و نهایتاً جلب خشنودی می‌داند، همان‌گونه که ترک آن خشم خداوند را در پی خواهد داشت. رابطه‌ای که برای فرد نیکوکار، حتماً با ایثار و از خودگذشتگی نسبت به دیگران همراه خواهد بود، چرا که اقشار محروم چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی دارای نیازمندی‌هایی هستند و کمک‌رسانی به آنان مستلزم صرف وقت و هزینه است. حتی اگر مخاطب احسان و محبت انسان فردی محروم و کم‌توان هم نباشد، صرف اختصاص وقت برای شاد کردن دیگری، می‌تواند یکی از مصادیق ایثار باشد. اما با جمع‌بندی ارائه شده در قسمت نژادپرستی این نتیجه حاصل می‌شود که حداقل طبق برخی برداشت‌ها از تعالیم کتاب مقدس و تفاسیر آن، فرد یهودی دچار نوعی خودبرتربینی نسبت به سایر انسان‌هاست و حتی اگر به هم‌کیشان خود احسان و محبت کند، و از روی نوع دوستی، فداکاری‌هایی را در قبال آن‌ها انجام دهد، در مورد سایر انسان‌ها چنین

رویه‌ای ندارد، و حتی شاید بتوان گفت، کوچک شمردن خود در برابر آن‌ها را نوعی عمل غیر اخلاقی و بر خلاف تربیت اخلاقی مطلوب یهود تلقی کند چرا که چنین کاری را بر خلاف آموزه‌های دینی خود می‌داند. این جمع بندی، بدون در نظر گرفتن سخن برخی از مفسرین کتاب مقدس است که می‌گویند: «نوع دوستی یک اصل اخلاقی کلی و همیشگی نیست و ترجیح خود بر دیگران هم تحت شرایطی قابل توجیه اخلاقی است و می‌توان آن را عملی اخلاقی دانست» (see. Shatz, 2016, p.69-71) و گرنه با پذیرش چنین دیدگاهی اصل نوع دوستی تنها در مواردی محدود بروز می‌یابد و ایثار و فداکاری جایگاه چندانی در تربیت اخلاقی یهودی نخواهد داشت.

ایثار در اسلام و جایگاه آن در تربیت اخلاقی

متناظر با مباحث مطرح شده در آیین یهود، دو عنوان کلی نوع دوستی و نژادپرستی در دین اسلام هم مورد بررسی قرار می‌گیرد و رویکرد دین اسلام در قبال آن به طور خلاصه بیان می‌شود. نهایتاً، تاثیر این دو باور در ایثار و از خودگذشتگی بررسی شده و از طریق آن، به ارتباط ایثار و تربیت اخلاقی پرداخته خواهد شد.

نوع دوستی

قرآن کریم، روابط اجتماعی مطلوب در جامعه اسلامی را اینگونه ترسیم می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست» (سوره بقره، آیه ۲۰۸). این آیه همه افراد با ایمان را به صلح و سلام و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا دعوت می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۱) و بیانگر این نکته است که تحقق روابط اجتماعی به شکل صحیح آن،

برقراری صلح و آرامش پایدار بین انسان‌ها، و در یک کلام سعادت دنیوی و اخروی افراد بشر تنها در صورت تسلیم بودن در برابر دستورات خداوند حاصل می‌شود و هلاکت برخی از امت‌های پیشین، همچون بنی اسرائیل، در اثر عدم توجه به فرامین الهی حاصل شد (طباطبایی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۰۱) طبق دیدگاه اسلامی، خوش رفتاری با دیگران در هم‌کیشان خلاصه نمی‌شود، مثلاً در آیه ۸ سوره ممتحنه چنین آمده است: «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد». به این معنا که غیرمسلمانان هم، مادامی که دست به خشونت و توطئه‌گری علیه مسلمانان نزده باشند و اصول انسانی را مراعات کنند، نه تنها نسبت به آن‌ها نباید تعرضی صورت گیرد، بلکه باید در قبال آن‌ها خوش رفتاری و عدالت پیشه کرد.

پس به طور کلی می‌توان گفت در نگاه اسلامی، نوع دوستی و خوش رفتاری با دیگران پسندیده است. با این توضیح که، تعاملات اجتماعی مانند همه افعال اختیاری دیگر، در صورتی دارای ارزش اخلاقی هستند که علاوه بر حسن فعلی - به معنای شایسته بودن خود کار بدون توجه به فاعل آن - دارای حسن فاعلی هم باشد. یعنی، حول محور بندگی و تسلیم بودن در برابر خداوند متعال محقق شود و با هدف و نیت کسب رضای الهی و قرب به بارگاه حضرت حق صورت بگیرد؛ در این صورت است که ارزش اخلاقی می‌یابد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۴؛ همو، ۱۳۸۴، ص ۳۵۵).

البته مواردی هم وجود دارد که صرف نوع دوستی و از خودگذشتگی برای دیگران ارزشمند تلقی شده است، مواردی مثل کم شدن عذاب حاتم طایی به خاطر

سخاوتش (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۳)، یا بخشوده شدن مجازات دنیوی یک شخص سخاوتمند از سوی امیرالمومنین (همان)، گویای برخورداری امور انسان دوستانه از مراتبی حداقلی از ارزش اخلاقی در نگاه دین اسلام است.

حال اگر، همین امور با نیتی الهی تحقق پذیرد، ارزشی مضاعف پیدا می‌کند. از جمله زیباترین تمثیل‌های قرآن کریم در مورد تاثیر نیت الهی در چندین برابر شدن ارزش عمل را می‌توان در آیات ۲۶۱ تا ۲۶۵ سوره مبارکه بقره یافت؛ طبق این آیات شریفه، اگر عملی مثل انفاق و بخشش به دیگران، به مثابه یک دانه بذر باشد، همراه شدن آن با نیت الهی، نه تنها آن را از بین نمی‌برد بلکه گویا آن بذر، کاشته شده و با بارش باران‌های پرآب بر آن، عمل کاشته شده، چندصد برابر می‌شود. در مقابل، نیت نادرست مثل خودنمایی و تحقیر دیگران - هرچند عمل دارای ظاهری صحیح باشد - مثل آتش یا طوفانی است که بر خرمن اعمال می‌افتد و آن را نابود می‌کند.

بنابر روایات اسلامی، می‌توان نیت الهی به سه دسته کلی تقسیم کرد، انجام عمل نیک برای مصون ماندن از عذاب خداوند، انجام عمل نیک برای دستیابی به نعمت‌های بهشتی و سرانجام انجام عمل نیک از روی محبت نسبت به خداوند. هر سه نیت نیاتی متعالی هستند، اما بنابر آنچه روایات بر آن تصریح دارند، نیت سوم برترین نیتی است که انسان می‌تواند در عمل نیک خود آن را مدنظر داشته باشد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۴) والاترین مراتب نیت را می‌توان در اعمال اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین یافت. به طور مثال، آیات ۸ و ۹ سوره مبارکه انسان، بیانگر ایثاری است که از سوی امیرمؤمنان و فاطمه زهرا سلام الله علیهما، صورت گرفت: «و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر»

می دهند (و می گویند): ما شما را بخاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم». امر دیگری که آیات و روایات به عنوان ملاک ارزشمندی احسان و ایثار، بر آن تاکید می کنند، میزان نیازمندی و علاقه فرد به آن چیزی است که می بخشد؛ هرچه این نیازمندی بیشتر باشد، عمل فرد ارزشمندتر خواهد بود (نک: همان، ج ۴، ص ۱۸)، ملاکی که در آیه ۸ سوره انسان هم به آن اشاره شده است (در عبارت: با این که به آن علاقه دارند).

با دو ملاک ذکر شده، شاید بتوان گفت، عظیم ترین مصداق ایثار در دین اسلام، که رابطه بسیار عجیبی با تربیت اخلاقی خود فرد و حتی سایر انسان ها دارد، شهادت است؛ این که انسان جان خود را - به عنوان عزیزترین متاعی که در اختیار دارد - در راه خدا و به عشق حضرت حق فدا کند، علاوه بر این که او را صاحب جایگاهی رفیع نزد پروردگار می کند (سوره آل عمران، آیات ۱۶۹ و ۱۹۵)، به تعبیر شهید مطهری، نور هدایتی است که تاریکی های غفلت را می زداید و موجب می شود دیگران توجهی دوباره به معنای زندگی داشته باشند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۷، ص ۳۴۴).

بعد از بیان ملاک های ارزشمندی ایثار و نوع دوستی در اسلام، نوبت به ترسیم قالب اجرایی این ارزش اخلاقی، در سطح جامعه می رسد. می توان دو اصل عدل و احسان را به عنوان مراحل عملی تحقق بخش نوع دوستی در اسلام مطرح کرد که مورد اول سطح حداقلی و مورد دوم سطح حداکثری احترام به هم نوع و محبت نسبت به او را تامین می کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۴۳).

بنابر اصل عدل، تامین نیازمندی های مادی و معنوی مردم، نیازی عمومی است و به افرادی خاص اختصاص ندارد. از طرفی اگر نیازهای عده ای در جامعه برطرف

نشود، آن‌ها انگیزه‌ای برای ارائه خدمات نخواهند داشت. نتیجه این خواهد بود که جامعه باید بستری را فراهم کند که بین حقوق و وظایف افراد تناسب برقرار شود، تا افراد بتوانند در سایه هم‌زیستی اجتماعی به رشد مادی و معنوی برسند. یعنی همانقدر که به جامعه خدمت می‌رسانند، از خدمات آن بهره‌مند شوند. اما چنین اصلی، به تنهایی برای طراحی و جهت‌دهی فعالیت‌های اجتماعی، کفایت نمی‌کند؛ چرا که همواره اقشار کم‌توان جامعه مثل سالمندان یا بیماران، از رشد و تعالی باز می‌مانند، چون آن‌ها نمی‌توانند هم‌پای دیگران، خدمتی ارائه کنند. اینجاست که اصل احسان مطرح می‌شود، خداوند متعال در آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل انسان‌ها را به عدل و احسان امر می‌کند، مطابق با این اصل، جامعه ایمانی موظف است اقشار کم‌توان را مورد توجه قرار دهد، تا جامعه هم‌پای هم به رشد و سعادت مادی و معنوی برسد (همان، ص ۴۶-۴۷). با تبیین ارائه شده از ملاک‌های ارزشمندی و قالب اجرایی محبت و کمک به دیگران، معنای آیاتی که نیکی و احسان را تعریف می‌کنند بهتر مشخص می‌شود، مثلاً: «... نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند؛ نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود- به هنگامی که عهد بستند- وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ اینها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است؛) و اینها هستند پرهیزکاران! (سوره بقره، آیه ۱۷۷) البته، مشخص است که آیه شریفه، نیکی

را در همه عرصه‌های حیات انسان اعم از حیات فردی و اجتماعی او مورد نظر قرار داده است.

ناگفته نماند، از آن‌جا که هدف از تشریح احکام و آموزه‌های اخلاقی در اسلام، هدایت یافتن و ارتقاء معنوی انسان‌هاست، می‌توان مواردی را ترسیم کرد که احسان و ایثار جایی نداشته باشد، چرا که موجب دور شدن فرد از هدایت الهی است. مورد اول در مواجهه با دشمنان و معاندانی که اصل آموزه‌های انسان‌ساز دین را برنمی‌تابند و در پی خاموش کردن نور هدایت در بین انسان‌ها هستند. قرآن کریم، در بیان اوصاف یاران پیامبر اکرم، پیش از آن‌که به رحمت و عطوفت آن‌ها نسبت به هم اشاره کند، می‌فرماید نسبت به دشمنان خداوند سرسخت هستند (سوره فتح، آیه ۲۹). بدیهی است که احسان و ایثار نسبت به چنین افرادی، نه تنها موجب هدایت فرد نمی‌شود، بلکه زمینه علاقه‌مندی وی به دشمنان خدا و در مرحله بعد گمراهی خود او را فراهم می‌آورد و از طرفی هم دشمنی با مسلمانان و تقویت جبهه کفر به حساب می‌آید (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص ۹۱۵). مورد دوم: در مواجهه با شخصی که دشمن دین و معاند در معنای مصطلح آن نیست، اما مبتلا به آفات اخلاقی‌ای است که ایثار و احسان نسبت به او، مشکل روحی او را حادتر خواهد کرد، مثلاً برخورد نرم و همراه با احسان و از خودگذشتگی در برابر شخص متکبر و از خودراضی، باعث می‌شود رذیله اخلاقی عجب و تکبر، با قوت بیشتری در وی باقی بماند. در این خصوص روایاتی دال بر لزوم رفتار همراه با شدت و درشتی نسبت به افراد متکبر وجود دارد. به عنوان مثال در روایتی، پیامبر گرامی اسلام در مورد نحوه رفتار با متکبران می‌فرماید با تکبر در مقابل متکبران، آنان را خوار و کوچک کنید (ورام، ۱۳۶۹، ص ۳۷۹) یا تعبیری

از امیرمومنان که تواضع در مقابل ثروتمند - به خاطر ثروت او - را موجب تباهی دین انسان می‌داند (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۸). درست است که این توصیه در مقام اول متوجه مخاطبان فرد ثروتمند و برای حفظ عزت نفس آنهاست اما در مرحله دوم برای جلوگیری از آثار سوئی است که دامنگیر ثروتمند می‌شود، همان‌گونه که قرآن کریم در آیات ۶ و ۷ سوره مبارکه علق، طغیان‌گری انسان را ناشی از بی‌نیاز دانستن خود می‌داند و در این طریق کرنش و خضوع اطرافیان در مقابل او بسیار موثر است؛ تا جایی که فرد خود را روزی رسان و دیگران را بندگان خود می‌داند. روشن است که نباید هر ادای احترام نسبت به خدمات ثروتمندان جامعه در کمک به محرومان را مصداق این روایت قلمداد کرد. (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۷۴۲)

با توجه به آنچه گفته شد نتیجه چنین است که، برای نجات خود شخص متکبر و ریشه کن ساختن تکبر از وجود او، مادامی که به این رذیله اخلاقی مبتلاست، باید در مقابل وی شدت عمل به خرج داد، و چون شخص متکبر نمی‌تواند خوار شدن در برابر دیگران را تحمل کند، شاید همین شیوه برخورد موجب تنبه و هدایت وی شود (نراقی، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۹).

البته نکته‌ای دقیق که نباید از آن غفلت شود این است که رفتار عاری از گذشت و تواضع در مقابل این دو گروه، صرفاً یک عکس‌العمل ظاهری برای متنبه کردن آنهاست؛ در حالی که فرد در باطن خود مزین به صفت نوع دوستی و تواضع نسبت به دیگران است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص ۷۸۵). پس چنین رفتاری به این معنا نیست که فرد خود را بالاتر و برتر از دیگران بداند، که این خود آغاز سقوط فرد خواهد بود (دستغیب، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۱).

نژاد پرستی

نژادپرستی از مفاهیم اجتماعی‌ای است که در منابع اسلامی، مردود شمرده می‌شود. خطاب‌های قرآنی انسان‌ها را با تعبیری هم‌چون، «الناس» و «الذین آمنوا» خطاب قرار داده است و معارف قرآن منحصر در نژاد خاصی نیست. طبق معارف قرآن کریم، همه انسان‌ها از یک پدر مادر متولد شده‌اند و از این جهت بر یکدیگر برتری ندارد. (سوره نساء، آیه ۱؛ سوره انعام، آیه ۹۸؛ سوره حجرات، آیه ۱۳). خداوند متعال شیطان را سرسلسله نژادپرستان خوانده، جایی که به داستان خلقت حضرت آدم و جریان سجده نکردن شیطان به او می‌پردازد، و شیطان خلقت خود از آتش را از خلقت خاکی انسان برتر می‌داند (سوره اعراف، آیه ۱۲) قرآن کریم، نه تنها برتری طلبی‌های نژادی را بر نمی‌تابد، بلکه سایر ملاک‌های بی پایه و اساس را - که در نگاه اول، ممکن است موجه به نظر برسد - نیز مردود می‌داند، مثلاً این که عده‌ای دین و آیین تحریف شده خود را مایه ارج و قرب خود در درگاه الهی بدانند، از نگاه قرآن مردود است. بسیاری از آیاتی که در مورد یهود و نصاری نازل شده است، ناظر به همین معناست. مثلاً این که بهشت را مختص به خود می‌دانند (سوره بقره، آیه ۱۱۱)، یا خود را از عذاب الهی مبرا می‌دانند (سوره بقره، آیه ۸۰) یا این که معتقدند تنها آن‌ها توسط خداوند هدایت شده‌اند و بقیه گمراهند (سوره بقره، آیه ۱۳۵). قرآن کریم با پاسخ‌هایی منطقی، پوچ بودن چنین ادعاهایی را آشکار می‌سازد؛ «بگو: اگر آن (چنان که مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا، مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید! ولی آنها، به خاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستاده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد؛ و خداوند از ستمگران آگاه است» (سوره بقره، آیات ۹۴ و ۹۵).

سوالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا کامل خواندن دین اسلام و بیان این که تنها دین نزد خداوند اسلام است (سوره آل عمران، آیه ۱۹)، با عبارات قبل، قابل جمع است؟ و آیا برتر دانستن دین اسلام نسبت به سایر ادیان، نوعی تعصب‌ورزی نیست؟

در مقام پاسخ باید گفت، طبق دیدگاه قرآن کریم، از آن جا که بشر برای یافتن معنای صحیح زندگی و جایگاه حقیقی خود در نظام آفرینش - و به تعبیر قرآنی آگاهی نسبت به اموری که خودش هیچ راهی برای آگاه شدن به آن‌ها نداشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۳۰) نیازمند هدایت و راهنمایی بود، خداوند متعال فرستادگانی را به سوی انسان‌ها روانه داشت، تا آن‌ها را از حقیقت عالم هستی آگاه کنند. بنابراین، ادیان الهی و فرستادگان خداوند، همگی برای هدایت بشر، فرستاده شده‌اند و از این جهت همه آن‌ها محترم و دارای جایگاهی والا نزد خداوند هستند (سوره بقره، آیات ۱۳۶ و ۲۸۵؛ سوره آل عمران، آیه ۸۴). نکته‌ای که وجود دارد این است که ادیان الهی در طول زمان سیر تکاملی داشته‌اند و همه آن‌ها - در شکل تحریف نیافته خود - جریانی واحد بوده‌اند که به فراخور تکامل بشر، رفته رفته کامل‌تر شده‌اند، تا جایی که این روند در دین اسلام به نهایت خود رسیده است، بنابراین اختلاف ذاتی بین ادیان وجود ندارد و اختلاف بین آن‌ها تفاوت در کمال و نقص است (طباطبایی، ۱۴۰۳، ج ۳، ۱۲۰). با این توضیح، و به دور از هرگونه تعصب‌ورزی، عقل حکم می‌کند پس از ظهور اسلام، انسانی که در پی یافتن هدایت الهی است، کامل‌ترین برنامه فرستاده شده از سوی خداوند را بپذیرد و به آن عمل کند، بدون این که بخواهد چیزی از آن کم کند یا بر آن بیفزاید و این مفاد آیه ۱۹ سوره مبارکه آل عمران است که می‌فرماید: «براستی دین نزد

خدا تسلیم [در برابر او] است».

در مقام جمع بندی مطالب محوری بحث که حول رابطه ایشار و تربیت اخلاقی شکل گرفت، باید گفت، در دین مبین اسلام، نوع دوستی و محبت داشتن نسبت به هم نوع، بسیار مورد توجه است. در مرحله اول باید نسبت به اطرافیان از هر دین و آیینی که هستند، عادلانه رفتار شود و کسی مورد ستم قرار نگیرد و در مرحله بعد، با احسان و نیکی نسبت به همه افراد، به ویژه اقشار کم توان، زمینه را برای استفاده حداکثری همه مردم از مواهب جامعه را فراهم کرد. از طرفی، مذموم بودن نژادپرستی هم تاییدی بر همین مطلب است که ملاک در خوش رفتاری و حسن خلق، نسبت به دیگران، نژاد و زبان آن‌ها نیست. در مجموع می توان گفت با توجه به مباحث مطرح شده در این بخش، از نگاه اسلام، ایثار نقش مهمی در تربیت اخلاقی انسان ایفا می کند، چه در سطوح اولیه از اعمال انسان دوستانه در بروز رفتارهایی که انسان صرفاً از مقدار محدودی از وقت خود می گذرد و یا در سطوح بالاتر که فرد، اموال خود را در راه خدا صرف امور انسان دوستانه می کند و چه در مراتب بسیار فراتر از حد تصور که انسان همه وجودش را در راه خدا فدا می کند تا ارزش های انسانی باقی بماند. شهید در راه خدا، نه تنها خود به درجه فوز الهی می رسد، بلکه زمینه هدایت و تربیت را در دیگر انسان ها روشن می کند. بزرگ ترین مصداق چنین فداکاری و ایثاری در طول تاریخ، جانفشانی حضرت ابا عبدالله علیه السلام و یاران ایشان است که با بذل جان های پاک خود نور هدایت الهی را در همه اعصار حیات بشر برافروخته اند.

تطبیق و مقایسه

در مقام تطبیق تربیت اخلاقی شکل گرفته بر پایه آموزه ایشار در دو آیین اسلام و یهودیت، روشن شدن مفهوم برگزیدگی و جایگاه آن در آیین یهود، رابطه آن با نژادپرستی و نظر اسلام در این زمینه، بسیار راهگشا خواهد بود.

در مورد این که مراد از برگزیدگی در آیین یهود چیست، معانی مختلفی ذکر شده است. می توان این معانی را در ذیل دو عنوان «برگزیدگی مطلق» و «برگزیدگی مشروط» گرد هم آورد. برگزیدگی مطلق به این معناست که هر فرد یهودی به صرف این که از نژاد یهود است، نزد خداوند دارای جایگاهی ویژه است و خدای متعال ارزشی والاتر از سایر انسانها برای او قائل است (Unterman, 1996: 213-214). در مقابل، برگزیدگی در معنای مشروط، این جایگاه ویژه را به طور مشروط مطرح می کند و بنا بر آن، چنانچه یهودیان به عهد و میثاقی که بین آنها و خداوند وجود دارد، پایبند باشند، بندگان خاص خداوند خواهند بود و نه به صرف این که عضو جامعه و از نژاد یهود باشد. (Atlan, 2009, p.55-59) برخی از دانشمندان یهودی معنای اول و برخی دیگر معنای دوم را می پذیرند.

قرآن کریم هم موید برگزیدگی قوم یهود در معنای مشروط آن است، در آیاتی از قرآن اصل این برگزیدگی مطرح شده است، عبارات «أَنْتِ فَضَّلْتِكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (سوره بقره، آیات ۴۷ و ۱۲۲) و «فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (سوره جاثیه، آیه ۱۶) بر همین معنا دلالت می کند. در کنار این آیات، آیات دیگری هم وجود دارد که مشروط بودن این برگزیدگی را افاده می کند، شاید یکی از صریح ترین این آیات، آیه دوازدهم از سوره مبارکه مائده باشد که خداوند متعال می فرماید: «خدا از بنی اسرائیل پیمان

گرفت.... و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسنه بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می‌پوشانم [می‌بخشم]؛ و شما را در باغهایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است». در این آیه، جایگاه ویژه بنی اسرائیل نزد خداوند و یاری رسانی به آنها منوط به عمل به فرامین الهی شده است. از طرفی، آیات دیگری هم وجود دارد که برگزیدگی و برتری را به افراد و اقوام دیگری نسبت می‌دهد و در مورد آنها همین شرط تکرار می‌شود، مثلاً خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰)، و بعد در ادامه علت این برتر بودن را ایمان داشتن به خدا و عمل به فرائض امر به معروف و نهی از منکر و در یک کلام اعتصام به ریسمان الهی عنوان می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۷۷). بعد از کنار هم قرار دادن این دو گروه از آیات، نتیجه این خواهد بود که، همه انسان‌ها از هر نژاد و قومی، زمینه رشد یافتن و رسیدن به مقام برگزیدگی را دارند و مراتب این رشد را، میزان تسلیم بودن انسان در برابر خداوند متعال و در یک کلام خداترسی او تعیین می‌کند؛ «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

با این تبیین از مفهوم برگزیدگی، می‌توان گفت سوء برداشت از این مفهوم، باور به نژادپرستی را در بین بسیاری از دانشمندان و پیروان آیین یهود دامن زده و از این

رو، هرچند تعالیم کتاب مقدس به نوع دوستی، ایثار و احسان در رابطه با انسان‌ها فرا خوانده باشد، برداشت این افراد چنین است که این روابط حسنه، تنها در جامعه یهودی جریان داشته و ایثار برای غیرهم‌کیش ارزش اخلاقی منفی می‌یابد. پس با این توضیح، جایگاه ایثار در تربیت اخلاقی آیین یهود- حدافل، طبق دیدگاه بخش قابل توجهی از صاحب‌نظران و پیروان آن- با توجه به نژاد و دین مخاطب تعیین می‌شود؛ اگر هم‌کیش و یهودی باشد، ایثار و احسان موجب رشد اخلاقی انسان و رضایت خداوند است. ولی اگر از غیر دین یهودیت باشد، رابطه، عکس خواهد بود، چرا که شخص با فداکاری نسبت به غیریهودی باور به برگزیدگی و برتر بودن آیین یهود را نقض کرده است و اگر این کار ارزش منفی نداشته باشد، حدافل ارزش مثبتی را هم در پی نخواهد داشت.

اما با توجه به آن‌چه از مفاهیم و آموزه‌های اسلام بیان شد، اصل اولیه این است که انسان هر قدر نسبت به دیگران، محبت، احسان و از خودگذشتگی داشته باشد، چنان‌چه با نیتی الهی همراه شود، موجب رشد و ارتقاء اخلاقی وی خواهد شد و یکی از ابعاد تربیت اخلاقی اسلامی به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

طبق آنچه گذشت، در تبیین جایگاه آموزه اخلاقی ایثار در تربیت اخلاقی از نگاه اسلام و یهود، مسائل نوع‌دوستی و نژادپرستی - به عنوان دو مساله تاثیرگذار در آموزه ایثار - در دو آیین مذکور، مورد بررسی و تطبیق قرار گرفت. و نهایتاً، در جمع بندی تطبیق آموزه‌های دو شریعت اسلام و یهود در موضوع مورد نظر، می‌توان گفت: مصون ماندن قرآن - به عنوان منبع اصلی شریعت اسلام - از تحریف، و پرداختن کامل‌تر و دقیق‌تر به ابعاد مختلف مباحث در دین اسلام، سبب شده تا آموزه‌های مختلف آن دقیق‌تر ترسیم شده و همخوانی بیشتری با هم داشته باشند. مثلاً اگرچه در آموزه‌های دین یهود هم بر تاثیر نیت در ارزش یافتن عمل نیک به طور عام و ایثار و احسان به طور خاص تاکید شده است؛ به این بیان که، عمل نیک - و در بحث حاضر ایثار و فداکاری - باید برای پیروی از خداوند و خشنودی او انجام شود. اما در اسلام جایگاه نیت و تاثیر آن در ارزش عمل، چه در بعد مثبت و چه در بعد منفی، با عبارات و تمثیل‌های گوناگون، از وضوح کامل‌تری برخوردار است.

همچنین در ساحت تعیین حد و مرزهای نوع‌دوستی و ایثار، هر دو آیین حد و مرزهایی را برای نوع‌دوستی و ایثار نسبت به دیگران مشخص کرده اند اما به نظر می‌رسد توجیه اخلاقی خودخواهی یا توجه به نژاد افراد در چگونگی برخورد با آنها، به عنوان یکی از مهم‌ترین حدود مورد توجه در میان یهودیان، برخاسته از تحریفاتی است که وارد دین یهود شده است و مقایسه آن با حد و مرزهایی که در دین اسلام بیان شد، مثل توجه به معاند بودن یا آسیب دیدگی اخلاقی فرد مخاطب ایثار، روشن می‌کند که مرزهای بیان شده از نگاه اسلام، مطابقت بیشتری با هدایت و تربیت اخلاقی انسان دارد.

منابع

۱. قرآن کریم، با ترجمه مکارم شیرازی.
۲. کتاب مقدس، با ترجمه ایلام.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، محقق / مصحح: جمال الدین میر دامادی، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، قم.
۴. ابن فارس، احمد، (۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، محقق / مصحح: عبد السلام محمد هارون، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۵. باقری، خسرو، (۱۳۸۳)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، تهران.
۶. جوهری، اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، محقق / مصحح: احمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت.
۷. حبیب اللهی، مهدی، (۱۳۹۲)، «خاستگاه اخلاق یهودی در عهد عتیق»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادیان، ش ۱۳، ۶۵-۸۹.
۸. داودی، محمد، (۱۳۹۰)، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۹. دستغیب، سید عبدالحسین، (۱۳۸۳)، گناهان کبیره، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، محقق / مصحح: داوودی، صفوان عدنان، دار القلم، بیروت.
۱۲. سلیمانی، عبدالرحیم، (۱۳۸۳). «قوم یهود از برگزیدگی تا نژادپرستی». نشریه هفت آسمان: دوفصلنامه، ش ۲۲، ۱۱۳-۱۳۴.
۱۳. سید رضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه. محقق: صبحی صالح، هجرت، قم.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۰۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، انتشارات ناصر خسرو، تهران.

۱۶. عالم زاده نوری، محمد؛ بوسلیکی، حسن؛ مرادی، حسین؛ (۱۳۹۲)، نقش مربی در تربیت اخلاقی-معنوی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، محقق/مصحح: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، هجرت، قم.
۱۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۷۶)، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح علی اکبر غفاری، مؤسسة النشر الإسلامی، قم.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق: علی اکبر آخوندی؛ محمد غفاری، دارالکتب الاسلامیة، تهران.
۲۰. کوئن، بروس، (۱۳۷۵)، درآمدی به جامعه شناسی. مترجم: محسن ثلاثی، توتیا: تهران.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله): قم.
۲۲. _____، (۱۳۸۳)، جنگ و جهاد در قرآن. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله): قم.
۲۳. _____، (۱۳۸۴)، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله): قم.
۲۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا، تهران.
۲۵. معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۶. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الاختصاص. محقق/مصحح: علی اکبر غفاری؛ محمود محرمی، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید: قم.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران.
۲۸. _____، (۱۳۸۶)، پیام امام امیرالمومنین (علیه السلام)، دارالکتب الاسلامیة، تهران.
۲۹. نراقی، مهدی بن ابی ذر، (بی تا)، جامع السعادات، تصحیح و تنظیم: محمد کلانتر، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
۳۰. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۳۶۹)، مجموعه ورام (آداب و اخلاق در اسلام). مترجم، محمدرضا عطایی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.

31. Anonymous, (1989), **Webster's unabridged dictionary of the English language**, Gramercy Books, New York.
32. Atlan, henri, (2009), «**chosen people**», 20th Century Jewish Religious Thought, 55-59, Jewish Publications Society, Philadelphia.
33. Gensler, Harry. J, (2013), **Ethics and the golden rule**, Routledge, New York.
34. Kohen, Abraham, (1975), **Everyman's Talmud**, Schocken Books, New York.
35. Rotenstreich, Nathan, (1968), **Jewish philosophy in modern times**, Holt, New York.
36. Shahak, Israel, (1994), **Jewish history, Jewish religion: the weight of three thousand years** Boulder, London.
37. Shatz, David, (2016), **Library of Contemporary Jewish Philosophers**, v.19, brill, Leiden; Boston.
38. Unterman, Alan, (1996), **The Jews: their religious beliefs and practices**, Oregon, Sussex Academic Press, Portland.
39. Yates, Kyle, et al., (1988), **The Religious world: communities of faith**, Collier Macmillan, London.

